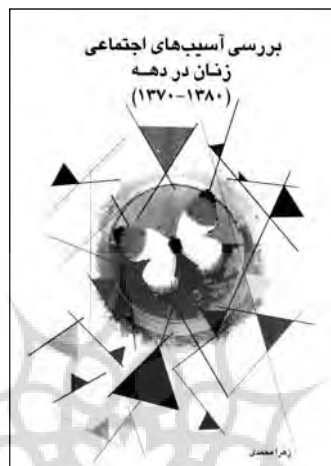


# آسیب‌های یک آسیب‌شناسی

فرحناز حسام  
پژوهشگر اجتماعی



– بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰  
– زهرا محمدی  
– شورای فرهنگی اجتماعی زنان  
– ۱۳۸۳، ۳۲۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۶۰۰۰ ریال

محمدی استدلال می‌کند «افزایش سن ازدواج بحران‌های شخصیتی ایجاد می‌کند و نابهنجاریهایی چون گرایش به ارتباطات غیر متعارف دختر و پسر، افسردگی و اختلالات جنسی را به دنبال دارد» (ص ۸۲) در این فصل شرایط نامناسب اقتصادی، کمبود فرصت‌های شغلی، پرداختن به تجملات در ازدواج و بالا رفتن هزینه‌های ازدواج، و استقلال اقتصادی زنان به عنوان عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج برشمرده شده‌اند. در پایان این فصل یافته‌های یک پژوهش پیرامون علل افزایش سن ازدواج ارائه شده است. فصل سوم با موضوع طلاق، نگاهی تاریخی به پدیده طلاق دارد و مختصری از جایگاه حقوقی طلاق در کشورهای سوسیالیستی، اروپایی و آمریکا را متذکر می‌شود و سپس دیدگاه اسلام و بزرگان دین را در این باره به اختصار انعکاس می‌دهد. فصل با ارائه برخی یافته‌های تحقیقات انجام شده در مورد طلاق در ایران پایان می‌پذیرد.

فصل چهارم که به موضوع اعتیاد و مواد مخدر اختصاص دارد، با تعریف اعتیاد آغاز می‌شود و به تاریخچه اعتیاد می‌پردازد. مباحث مربوط به علل و انگیزه‌های اعتیاد، صفحات زیادی از این فصل را به خود اختصاص داده است. در عوامل فردی گرایش به اعتیاد آمده است: در مجالس دوستانه یا مجالس میهمانی که از این‌گونه مواد مخدر مصرف می‌کنند مصرف دیگران حس کنجکاوی آنها را تحریک نموده و تصمیم به تجربه می‌گیرند. علت دیگر آن است که افراد فکر می‌کنند با مصرف دارو گرفتاریهای فردی آنها به دست فراموشی سپرده می‌شود و چون دارو اثر تخریبی دارد اغلب تا مدتی آنها را نسبت به مسائل و مشکلات بی تفاوت

«بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان» در نه فصل تنظیم شده و حاوی ۳۲۰ صفحه است. در فصل اول مؤلف ضمن ارائه کلیاتی چون تعریف مفاهیم آسیب‌شناسی، انحرافات اجتماعی، کجروی، نابهنجاری و بزهکاری، به برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی و نیز دیدگاه‌های اسلامی در باب آسیب‌های اجتماعی پرداخته است، و در نهایت فصل با تأکید بر اهمیت نقش خانواده و رسانه‌های جمعی به عنوان علل و عوامل مؤثر بر کجروی افراد پایان می‌پذیرد. این فصل حاوی پیشنهادهایی در جهت کاستن مضرات و خطرات رسانه‌ها (از جمله تلویزیون) است: والدین به کودکان یاد دهند که بعضی از برنامه‌ها و فیلم‌ها واقعیت ندارند؛ والدین ساعات استفاده از تلویزیون را برای کودکان محدود کنند؛ و بیشتر از برنامه‌های آموزشی سازنده و مثبت استفاده شود (ص ۶۱).

فصل دوم که به موضوع افزایش سن ازدواج اختصاص دارد، با آیه‌ای از قرآن شروع می‌شود. آنگاه به اهمیت ازدواج در اسلام می‌پردازد. سپس با ذکر مقدمه‌ای درباره سن ازدواج در قوانین مدنی ایران، ازدواج در سن بالا به عنوان مسئله‌ای جهانی معرفی می‌گردد.

«یک پدیده اجتماعی همانند تأخیر در سن ازدواج هم کارکردهای مناسب و هم نامناسب دارد. پیامد مناسب این است که به ویژه دختران با فرصت بیشتری به ادامه تحصیل دانشگاهی می‌پردازند و به اشتغال از بیرون خانه می‌پردازند. اما این نتیجه مثبت آنقدر چشمگیر و اساسی نیست که بتواند تبعات منفی فراوان ناشی از افزایش سن ازدواج را توجیه نماید» (ص ۸۲-۸۱).

می‌کند. همین فرار از زیر بار مشکلات فردی عامل عمده‌ای برای کشش به طرف مواد مخدر است» (ص ۱۵۶-۱۵۵). درباره عوامل خانوادگی نیز موضوعاتی چون فقر مادی، ستیزه والدین و رفاه اقتصادی خانواده را برشمرده و در عوامل اجتماعی از در دسترس بودن دارو، فقر و نابرابریهای اجتماعی، بیکاری و مهاجرت، دوستان ناباب، کمبود امکانات تفریحی، سنتهای ناهنجار و نادرست یاد کرده است. این فصل حاوی آمارهایی درباره اعتیاد در کشور است: یک میلیون و پانصد هزار نفر از جمعیت سه میلیونی معتاد کشور را جوانان زیر ۱۷ سال تشکیل می‌دهند و گرایش به اعتیاد به ۱۴ و ۱۵ سال رسیده است (ص ۱۷۳). و درباره تفاوت مصرف مواد مخدر در میان مردان و زنان می‌نویسد، به طور کلی مردان بیش از زنان به مصرف مواد مخدر غیر قانونی می‌پردازند (ص ۱۷۳). دیدگاه اسلام درباره مواد مخدر از جمله مباحث دیگر این فصل است که در آن آراء آیات عظام و علما در مصرف مواد مخدر منعکس شده است.

مؤلف در فصل پنجم به موضوع سرقت پرداخته است. «سرقت از باسابقه‌ترین جرائم بشری است که در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگون دیده می‌شود. این پدیده در طول زمان دستخوش دگرگونیها و تغییرات زیادی شده است اما تنها چیزی که از بدو پیدایش و شکل‌گیری آن تاکنون ثابت مانده زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است» (ص ۱۹۳). در این فصل تعریف سرقت، انواع آن، دامنه و گستردگی آن، علل و انگیزه‌های آن، راههای پیشگیری از سرقت و رابطه سرقت با سایر جرائم ارائه شده است. نویسنده در باب پیشگیری از سرقت مواردی چون آموزش، توجه به مسائل اقتصادی، وضع و اجرای قوانین حمایتی، مبارزه با تبیض، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت غیر قابل دسترس کردن و سائل ارتکاب جرم.... را فهرست نموده است (ص ۲۰۰-۱۹۹). در پایان این فصول نیز مطابق فصل پیشین برخی از تحقیقات انجام یافته معرفی شده‌اند.

عنوان فصل ششم خودکشی است و خودکشی عبارت است از خود را به وسیله‌ای کشتن، انتحار، کار زیاد کردن، کوشش بسیار (ص ۲۱۰). «بر اساس تحقیقات انجام شده بزرگترین موج خودکشی بعد از جنگ جهانی در جوامع صنعتی بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال بوده است و بر اساس تحقیقات انجام شده در ایران علل خودکشی عبارت‌اند از: اختلالات زندگی زناشویی و نامناسب بودن شرایط زندگی، فقر، بیکاری، ناراحتیهای روانی، ازهم پاشیدگی و جدایی گروههای اجتماعی» (ص ۲۱۵-۲۱۴). در این فصل گزارش مختصری از همایش ملی آسیب‌های اجتماعی درباره پدیده خودکشی منعکس گردیده است. آمارهایی نیز درباره پرونده‌های تشکیل شده در مورد اقدام به خودکشی، فوت شدگان، متوفیات مشکوک به خودکشی و خودکشی زنان در سایر آمارهای مربوط به خودکشی به تفکیک جنس و استان در سال ۱۳۸۰ در این فصل گنجانده شده است (ص ۲۱۹).

فصل هفتم با عنوان فساد و فحشا با آیه‌هایی از قرآن آغاز می‌شود. تعاریف مربوط به روسپیگری، تاریخچه آن، نظر اسلام و غرب درباره روسپیگری و علل روی آوردن به روسپیگری، محتوای این فصل را شکل می‌دهند. محمدی در این فصل معتقد است: «عوامل مؤثر بر رشد فحشا عبارت‌اند از فقر و بیکاری، گذار جوامع از سنت به مدرنیسم، تحولات اجتماعی و انقلابات، جاذبه‌های شهری» که ذیل هر کدام توضیحات

## معلوم نیست که طبقه‌بندی آسیبهای اجتماعی بر چه مبنایی صورت گرفته است؟ چرا ایدز در زمره آسیبهای اجتماعی آمده؟ و دیگر بیماریها آسیب اجتماعی قلمداد نشده است؟

## آیا واقعاً «تأخیر سن ازدواج» آسیب اجتماعی است؟

## فصل سوم با موضوع طلاق، نگاهی تاریخی به پدیده طلاق دارد و مختصری از جایگاه حقوقی طلاق در کشورهای سوسیالیستی، اروپایی و آمریکا را متذکر می‌شود و سپس دیدگاه اسلام و بزرگان دین را در این باره به اختصار انعکاس می‌دهد

مختصری داده است (ص ۳-۲۴۲). وی سپس به پیامد روسپیگری و ارتباط آن با سایر جرائم پرداخته می‌نویسد: «در اکثر جوامع روسپیان به عنوان منفورترین افراد جامعه هستند. روسپیگری موجب افزایش تعداد بیماران مقاربتی و ایدزی، کم شدن آمار ازدواج و افزایش نرخ طلاق، افزایش سقطهای جنین و تولد کودکان خیابانی می‌شود» (ص ۲۴۴). در پایان این فصل نیز برخی تحقیقات انجام شده در این باره معرفی شده‌اند.

فصل هشتم به موضوع فرار از خانه مربوط است. «فرار نوعی رفتار ناسازگارانه است که کودکان به آن مرتکب شده و بدون اجازه والدین یا وصی قانونی خانه را ترک می‌کنند» (ص ۲۷۱).

در این فصل به موضوع کودکان خیابانی پرداخته شده و آمده است: «طبق آمار و ارقام اعلام شده شمار کودکان خیابانی بیش از ۱۴۵ میلیون نفر می‌باشد و از این تعداد حدود ۲۰ هزار نفر در تهران زندگی می‌کنند.» (ص ۲۷۲). در ادامه این فصل به علل فرار دختران از خانه اشاره شده و یافته‌های برخی پژوهشها انعکاس یافته است.

فصل نهم با موضوع ایدز فصل پایانی کتاب است. این فصل ۲۶ صفحه‌ای به معرفی بیماری ایدز، سابقه شناسایی بیماری، نشانه‌های ابتلا

## محمدی در هر فصل ابتدا به طرح برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی و دیدگاه‌های اسلامی می‌پردازد و در نهایت با معرفی اجمالی پژوهش(هایی) مربوط فصل را به پایان می‌برد

همپوشانی مفاهیم به کار گرفته شده  
در این کتاب و عدم تعریف دقیق آنها  
نشان می‌دهد که نویسنده تسلطی بر  
مفاهیم به عنوان ابزارهای اصلی  
نظری خویش ندارد

اگر کلمه «زنان» از عنوان کتاب حذف شود،  
هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید

به ویروس HIV و راه‌های انتقال و درمان ایدز مربوط می‌شود. نویسنده متذکر شده است که «در ایران در سال ۱۳۷۶ اولین بیمار مبتلا به ایدز شناسایی شد و تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گرفت. در حقیقت موارد ابتلا به این بیماری مربوط به هموفیلیا و کسانی بود که از فرآورده‌های خونی آلوده وارداتی استفاده کرده بودند. مدتی بعد در بررسی‌های سالیانه، معتادان تزریقی زندانی و غیر زندانی نیز به جمع مبتلایان ایدز کشور اضافه شدند» (ص ۸-۲۹۷)

در بررسی‌های سرولوژیک که در چندسال گذشته در گروه‌های پرخطر و در خطر انجام یافته تا اول مهرماه ۱۳۸۱ تعداد ۴۲۳۷ نفر آلوده به ویروس ایدز در ایران شناسایی شده‌اند (ص ۲۹۸). این فصل با توضیحاتی درباره برنامه مبارزه با ایدز در ایران و همچنین ارائه آمارهای مربوط پایان می‌پذیرد.

### نکاتی در نقد کتاب

اولین نکته‌ای که به نظر می‌رسد آن است که اگر کلمه «زنان» از عنوان کتاب حذف شود هیچ خللی در معرفی محتوای کتاب به وجود نمی‌آید. چرا که در سراسر کتاب مطالب بسیار جزئی و مختصری به معرفی یا تحلیل موقعیت زنان در آسیب‌های اجتماعی اختصاص یافته است. آنچه که

نویسنده درباره آسیب‌های هشتمانه اجتماعی نوشته، مطالبی عمومی و تقریباً بدون در نظر گرفتن تفکیک جنسی در آنها است.

دیگر آنکه به دلایل مهمی این اثر را نمی‌توان یک اثر معتبر پژوهشی یا مرجعی قابل استناد دانست. این موضوع را حتی می‌توان از خلال همین معرفی اختصاری کتاب نیز دریافت. نخستین سؤالی که برای خواننده مطرح می‌شود آن است که این طبقه‌بندی هشتمانه از آسیب‌های اجتماعی بر چه مبنایی صورت گرفته است؟ و چرا ایدز (که یک بیماری است) در زمره آسیب‌های اجتماعی آمده است؟ و با این استدلال می‌توان پرسید چرا سایر بیماریها در عداد آسیب‌های اجتماعی قرار نگرفته است؟ آیا واقعاً تأخیر سن ازدواج آسیب اجتماعی است؟ و... در واقع نخستین اشکال اساسی در همان عناوین فصلها است.

بدین ترتیب، چیزی که همان صفحات نخستین در فصل کلیات نمایان می‌شود فقدان یک دستگاه نظری منسجم در حوزه آسیب‌های اجتماعی است. مفاهیم جرم، بزهکاری، آسیب اجتماعی، انحراف، ناهنجاری تعریف دقیق و مشخصی ندارند و تداخل و همپوشانی آنها نشان می‌دهد که محمدمدی تسلطی به این مفاهیم (به عنوان ابزارهای اصلی نظری خویش) ندارد. در عین حال، استفاده از منابع نامعتبر همچون مطالب روزنامه‌ها نکته دیگری است که از اعتبار اثر می‌کاهد. از سوی دیگر استدلال‌های ضعیف و تحلیل‌های ساده‌انگارانه در سراسر کتاب، آن را از چشم حتی دانش‌آموختگان حد متوسط این حوزه در علوم اجتماعی می‌اندازد. برای مثال محمدمدی معتقد است «اولین و مهم‌ترین علت انحرافات اجتماعی، عدم وجود فرصت و زمینه مناسب ازدواج برای جوانان است» (ص ۵۴). کدام بررسی علمی چنین نتیجه‌ای در برداشته است؟ و یا نتیجه‌گیریهای مؤلف از این قبیل که: «استقلال اقتصادی زنان از جمله بهانه‌هایی است که بر تأخیر در ازدواج می‌انجامد» (ص ۸۴)؛ «علل عدم ازدواج دختران، عدم زیبایی، یتیم بودن دختر، دور بودن از جمعیت، فقر خانوادگی...» (ص ۸۵)؛ «علل روی آوردن به روسپیگری: عدم دسترسی به ازدواج، فقر، نقص عضو، خوشگذرانی پیر دختری، محدودیت‌های غلط سنتی و فرهنگی است» (ص ۲-۲۴۱)؛ و یا اینکه «به طور کلی در استانهای غربی کشور چون ایلام و لرستان آمار خودکشی بالاست. با توجه به سنتی بودن این دو استان که در معرض مدرنیته شدن قرار گرفته‌اند و حالت نابسامان یابی هنجاری به وجود آمده است» (ص ۲۳۳)؛ بر پایه کدام مبحث نظری استوار است و از کدام پشتوانه تجربی بهره‌مند؟ معلوم نیست.

به علاوه ارزش داوریه‌های مؤلف که در بسیاری از گزاره‌ها و عبارات مشهود است: «امروز فحشا در میان دختران آلمانی امری رایج و طبیعی است» (ص ۲۴۳).

احکامی بی‌هیچ مبنای علمی و پژوهشی. واقعاً خواننده در مواجهه با استعمال اصطلاحاتی چون وادی مهلک فساد و تباهی، به پوچی رسیدن، و عدم ایمان واقعی، چه نتیجه‌ای می‌گیرد؟ به جز دغدغه‌های ایدئولوژیک نویسنده؟

در مجموع می‌توان گفت بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۸۰-۱۳۷۰ نه تنها حاوی تحلیل‌ها، آمارها و حتی نکات تازه‌ای نیست، بلکه صرفاً از کنار هم قرار دادن بدون انسجام مطالب از منابعی نامعتبر پدید آمده است.